

مطالعه انتظارات شغلی دختران نوجوان یزدی: شرایط و زمینه‌ها

سید علیرضا افشانی*، فائزه شمس‌الدین قطرم**

چکیده

کار به‌عنوان یکی از اشکال رفتار انسانی در قالب فرهنگ حیات معنا پیدا کرده است و تاریخچه زندگی انسان، نشان‌دهنده اهمیت کار و انتخاب شغل است. فرآیند انتخاب شغل سال‌ها قبل از پایان تحصیلات دبیرستان آغاز می‌شود و تا انتخاب شغل واقعی ادامه می‌یابد. بنابراین، تحقیق حاضر به بررسی فهم شکل‌گیری انتظارات شغلی دختران نوجوان یزدی پرداخته است. روش پژوهش حاضر کیفی است و پژوهشگر در آن به دنبال واکاوی و استخراج بسترهای زمینه‌ساز انتظارات شغلی دختران و موانع آن است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش را ۱۵ نفر از دختران نوجوان در مرحله انتخاب رشته با دامنه سنی بین ۱۵-۱۶ سال (پایه نهم و دهم) تشکیل می‌دهند و گردآوری اطلاعات با استفاده از روش مصاحبه انجام شد. سپس با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی یافته‌ها تحلیل و پردازش شدند. یافته‌ها در قالب ۱۳ مقوله اصلی از جمله مخالفت والدین، دوستان مخالف، هژمونی مجازی، منفی‌گرایی نسبت به بسترهای موجود، حصار در عادت‌واره‌های محدود، نظام آموزشی ناکارآمد و فرسودگی شغلی ارائه شد. مقوله هسته با عنوان هراس از ناکامی شغلی استخراج و بر اساس آن مدل پارادایمی و نظریه زمینه‌ای ارائه شد.

واژگان کلیدی

انتظارات شغلی، دختران، نوجوانان، هراس، ناکامی شغلی.

*. استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران، (نویسنده‌ی مسئول) (afshanalireza@yazd.ac.ir)

** دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (Faezehshams1379@gmail.com)

۱- مقدمه و بیان مسئله

داشتن شغل در زندگی اکثر افراد جامعه مهم است؛ زیرا نیمی از ساعت افراد در طول شبانه روز صرف فعالیت شغلی می‌شود. افزایش کیفیت کاری هم برای فراهم کردن زمینه و پایه معیشتی زندگی افراد و نیز توسعه اقتصادی یک کشور، همواره در اولویت دولت‌های رفاهی بوده است. بر این اساس یکی از نکات اساسی و مهم در مطالعات مربوط به مسائل نوجوانان، به عنوان سرمایه انسانی کشور، توجه و عنایت به انتظارات شغلی آنان است. انتظارات شغلی، مقوله‌ای اجتماعی است که تحت تأثیر متغیرهای جامعه‌شناختی نظیر رسانه‌های عمومی و همگانی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، سطح تحصیلات، آموزش و... قرار دارد. این متغیرها بر انتظارات شغلی افراد تأثیر می‌گذارند و آن را شکل می‌دهند.

انتظارات شغلی یکی از ابعاد انتظارات اجتماعی در جامعه است و انتظارات اجتماعی را می‌توان «عقاید» افراد جامعه درباره آینده دانست (Oettingen & Mayer, 2002: 2-3). به این معنی که انتظارات اجتماعی عقاید افراد نسبت به وقایع و رویدادهای آینده است و این آینده نه آینده‌ای خیلی نزدیک و نه آینده‌ای خیلی دور است بلکه آینده‌ای قریب‌الوقوع است که فرد توانایی پیش‌بینی آن را دارد. بر اساس این، عقاید همان قضاوت‌هایی است که احتمال وقوع رویدادها را در آینده قابل پیش‌بینی تخمین می‌زند (ایمان و اسلام، ۱۳۸۴: ۱۰۱). انتظارات اجتماعی به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: ۱- انتظارات فرهنگی، ۲- انتظارات اقتصادی و ۳- انتظارات امنیتی؛ که این پژوهش در نظر دارد به بررسی انتظارات اقتصادی در حوزه شغلی نوجوانان بپردازد. منظور از انتظارات اقتصادی، انتظاراتی است که جوانان از آینده اقتصادی خود مانند شغل، درآمد و امکانات رفاهی دارند. امکانات رفاهی در این تحقیق، شامل امکاناتی می‌شود که جوانان برای تحقق خواسته‌ها و استعدادهایش به آنها نیازمند دارند.

انتظارات شغلی، دیدگاه و پیش‌بینی آینده مالی و شغلی افراد از جامعه خود است پس با ترجیحات شغلی و آرمان‌های شغلی متفاوت است چراکه منظور از ترجیحات شغلی این است که هر شخص با توجه به مهارت‌ها و تحصیلات خود انتظار دارد چه شغلی در آینده به دست آورد (علی‌مندگاری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۴) و آرمان شغلی موقعیت یا مسیری است که هر فردی دوست دارد در آن قرار بگیرد. آرزوها، اهداف زندگی هستند و باعث انگیزه در فرد می‌شوند تا با انگیزه بالاتری به فعالیت‌های خود بپردازد و برای تحقق آنها تلاش بیشتری کند و در نهایت به موفقیت بیشتری دست یابد (Gregor & OBrien, 2016).

در دهه‌های اخیر، توجه به موقعیت و وضعیت زنان، بیش از سال‌های گذشته، در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور گنجانده شده و مشارکت زنان در همه عرصه‌ها به‌عنوان شاخص توسعه و پیشرفت کشور مورد توجه و ارزیابی کارشناسان و متخصصان قرار گرفته است. در برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نیز شاخص‌هایی مانند سلامت، اشتغال، بهداشت، آموزش، تأمین اجتماعی و توانمندسازی زنان در حوزه اقتصادی مورد دقت و توجه قرار گرفته و بهبود بسترها و زمینه‌های لازم برای حضور فعال و مؤثر زنان در عرصه‌های اشتغال و معیشت کشور و ایفای نقش در جهت توسعه عدالت و پیشرفت جامعه در دستور کار قرار گرفته است. باین‌حال، جنسیت از مؤلفه‌هایی است که در تحلیل وضعیت اشتغال مدنظر قرار می‌گیرد. جنسیت به‌منزله یکی از عوامل تعیین‌کننده فرهنگی و اجتماعی، بسیاری از جنبه‌های زندگی جمعی زنان همچون اشتغال و اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و حتی بر نوع مشاغل خاص زنان و مردان در جامعه تأثیر می‌گذارد و نرخ مشارکت اقتصادی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بلالی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۰۰).

۹۵

بسیاری از عوامل سبب می‌شود که انتظارات اقتصادی و شغلی نوجوانان به شکست بیانجامد. در بررسی این علل، علاوه بر عوامل آموزشی و مدیریتی که ممکن است وجود داشته باشد، باید به عوامل اجتماعی (ساختاری و محیطی) جامعه هم توجه داشت. زمانی که نوجوانان به‌ویژه دختران با توجه به علاقه خود شغلی را انتخاب می‌کنند اما با خواسته و ترجیحات خانواده و جامعه در تعارض باشد، به شکاف شغلی می‌رسند که بیکاری می‌تواند یکی از پیامدهای منفی این مسئله باشد. فقدان شغل و بیکاری یکی از موارد مهمی است که می‌تواند موجب ایجاد بحران در زندگی آینده نوجوان شود. در این شرایط نوجوان از نظر عواطف و احساسات دچار ناپایداری شده و اعتمادبه‌نفس لازم را نخواهد داشت. چنین نوجوانی نگرانی زیادی از آینده خود دارد و نسبت به زندگی مستقل خود دچار ترس و وحشت خواهد بود. به‌طور کلی بیکاری باعث می‌شود تا رسیدن به احساس هویت مناسب و سازگاری نوجوان در معرض آسیب قرار گیرد. طبق گزارش ارائه‌شده از مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۶، ۱۲/۳ درصد از جمعیت فعال ۶۴-۱۵ ساله را بیکاران تشکیل می‌دادند که از مجموع این تعداد بیکار، ۲۶/۳ درصد مربوط به گروه سنی ۲۴-۱۵ ساله، ۶۴/۹ درصد مربوط به گروه سنی ۴۴-۲۵ و ۸/۸ درصد مربوط به گروه سنی ۶۴-۴۵ ساله بوده است. این نسبت‌ها برای مردان به ترتیب ۲۶/۱ درصد، ۶۲/۱ درصد و ۱۱/۸ درصد و برای زنان ۲۶/۷ درصد، ۷۰/۷ درصد و ۲/۶ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷).

از منظر آلم و لافتمن، آینده نگرانی ذهنی برای همه افراد است. با توجه به عدم قابل پیش‌بینی بودن آینده، افراد درباره آن فکر می‌کنند و پیش‌بینی‌هایی را در رابطه با آن انجام می‌دهند. اگرچه جهت‌گیری نسبت به آینده، در همه مراحل زندگی صورت می‌گیرد، اما اواخر دوران نوجوانی و اوایل جوانی که فرد با تصمیمات مهم مرتبط با تحصیل، حرفه و زندگی مواجه می‌شود، زمان بسیار مهمی برای این فرایند است (Alm & Laftman, 2016). نوجوانی زمان انتخاب و تصمیم‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز برای هر فرد است که در این میان وجود موانعی بر سر راه نوجوان باعث دور ماندن او از رسیدن به آرزوهایش می‌شود. در این پژوهش تلاش گردید که به بررسی انتظارات شغلی دختران نوجوان پرداخته و سپس موانع اجتماعی و جامعه‌شناسی موجود بر سر راه تصمیم‌گیری نوجوانان را کشف و موانع ساختاری- فرهنگی جامعه برای انتخاب شغل دختران نوجوان در شهر یزد شناسایی شود. با توجه به اینکه نوجوانان انتخاب رشته خود را که در واقع آغاز مسیر انتظارات شغلی آنهاست در این برهه سنی انجام می‌دهند، به‌طور مداوم انتظارات جامعه و ساختارهای آن نظیر خانواده، دوستان و دیدگاه‌های افراد را مورد توجه قرار می‌دهند. از سوی دیگر فردگرایی نوجوانان در انتخاب شغل موجب می‌شود که انتظارات شغلی دختران با ساختارهای جامعه فاصله پیدا کرده و در مواقعی به شکاف برسد و آنان را به مقاومت یا پذیرش ساختارها سوق دهد. با توجه به نکات مطرح‌شده، این پژوهش در نظر دارد به مطالعه و واکاوی و شناسایی انتظارات شغلی دختران نوجوان یزدی با رویکرد کیفی بپردازد.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

مرادی و روحانی در پژوهشی با عنوان «زیست جهان مقاوم در آستانه جوانی: مطالعه فرآیند شکل‌گیری انتظارات فزاینده در جوانان»، با استفاده از روش کیفی ۲۰ نفر از دانشجویان جدید ۱۸ تا ۱۹ ساله را مورد مطالعه قرار دادند. فاصله نسلی ارزشی، محدودیت زیست جهان، مقایسه تحقیق‌آمیز، انتظارات چندگانه و عادی‌سازی جرأت‌ورزانه از مهم‌ترین مضامین استخراج‌شده از این پژوهش بود که نشان داد انتظارات فزاینده، آنها را از سوژه‌هایی منفعل به سوژه‌هایی اجتماعی و مقاوم تبدیل می‌کند (مرادی و روحانی، ۱۴۰۱).

علی‌مندگاری و همکاران در پژوهشی به «بررسی نظام ترجیحاتی شغلی جوانان و عوامل مرتبط با آن» پرداختند. در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، ۴۰۰ نفر از جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله اصفهان مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن بود که رابطه معنی‌داری بین متغیرهای تحصیلات، هدایت خانواده و دوستان، سابقه کار، طبقه اجتماعی-اقتصادی، امنیت شغلی، نحوه

انتخاب شغل و جنسیت و ابعاد ترجیحات شغلی وجود دارد. بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل چندمتغیره، متغیرهای امنیت شغلی، نحوه انتخاب شغل، تحصیلات و جنسیت از تعیین‌کننده‌های ابعاد ترجیحات شغلی شناسایی شد (علی‌مندگاری و همکاران، ۱۴۰۰).

یافته‌های پژوهش سمیعی و همکاران نیز در پژوهشی با عنوان «تفکر زیربنایی شکل‌گیری آرزوهای شغلی در کودکان و نوجوانان» که با مشارکت ۱۲۰ نفر از دانش‌آموزان شهر اصفهان انجام شد، نشان داد که در تعیین تفکر آرزوهای شغلی، چهار عامل زیربنایی و تأثیرگذار شامل: اندازه و قدرت، کلیشه‌های جنسیتی، منزلت شغل و خود درونی بر تفکر کودکان و نوجوانان نقش دارد. خاص شدن تفکر زیربنایی آرزوهای شغلی باعث شده است که آنها مشاغل تخصصی را بیش از مشاغل غیرتخصصی آرزو کنند. پزشکی به‌عنوان یک شغل تخصصی اولین آرزوی شغلی آنها و پس از آن مهندس و پلیس شدن جزء اولویت‌های آنها قرار داشت. بنابراین یافته‌های این پژوهش نشان داد که معیارهای تفکر زیربنایی آرزوهای شغلی در کودکان و نوجوانان باید در راستای سهولت در پیشرفت و انتخاب شغل آینده آنها تقویت شوند (سمیعی و همکاران، ۱۳۹۷).

۹۷

عسکری ندوشن و صباغچی پژوهشی پیمایشی با عنوان «ارزیابی نیازهای جوانان و اولویت‌های سیاستی مرتبط با آنان در شهر یزد» و با مشارکت ۴۰۰ جوان در بازه سنی ۱۵-۲۹ انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که امکان داشتن: یک شغل خوب و باثبات، صاحب‌خانه‌شدن و تهیه منزل مسکونی، کسب درآمد، توانایی تأمین مخارج زندگی، استفاده از پارک و تفریحگاه، خرید خودروی مناسب، توسعه و افزایش سلامت روانی و اجتماعی و فراهم بودن زمینه ازدواج از اولویت‌های مدنظر جوانان است (عسکری ندوشن و صباغچی، ۱۳۹۷).

معینیان در پژوهش خود با نگاهی جامعه‌شناختی به بررسی نقش تصورات قالبی جنسیتی در تبعیض شغلی علیه زنان پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که یکی از عوامل مهم مؤثر در تبعیض شغلی علیه زنان در بسیاری از جوامع بشری وجود تصورات قالبی جنسیتی رایج در فرهنگ عمومی جوامع است که اکثراً زنان را از احراز مشاغلی که دارای پایگاه بالاتر و دستمزد بیشتری هستند، محروم می‌کند (معینیان، ۱۳۹۶).

سمنو و همکاران در پژوهشی به مطالعه‌ی «انتظارات اجتماعی دانشجویان در ابعاد بهزیستی روان‌شناختی» پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی است که پاسخ‌دهندگان دارای سطح متوسط از پارامترهای بهزیستی روان‌شناختی و انتظارات اجتماعی هستند که نشان‌دهنده رضایت متوسط از زندگی و وجود جهت‌گیری کافی در واقعیت اجتماعی-روان‌شناختی است (Semenov & et, 2021).

اسپیلوپولولو و همکاران در مقاله خود به بررسی «انتظارات شغلی دانش آموزان دبیرستانی عمومی روزانه در یونان در زمان بحران اقتصادی» پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که دانش آموزان بدون توجه به حجم سرمایه فرهنگی «نهادینه شده» و وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده‌شان، تمایل به داشتن انتظارات شغلی بالایی دارند (Spiliopoulou & et al, 2018).

بهتویی در پژوهش خود سرمایه اجتماعی و انتظارات آموزشی جوانان، در مناطق محروم شهر سوئد را مورد بررسی قرار داد. نتایج حاکی از آن بود که پیشینه طبقاتی پاسخگویان به همراه ویژگی‌های جمعیت شناختی جوانان، پیش‌بینی کننده‌های مهمی برای جاه‌طلبی تحصیلی آنان است. اشکال مختلف سرمایه اجتماعی نیز بخش قابل توجهی از واریانس انتظارات آموزشی دانش آموزان را شامل می‌شد (Behtoui, 2017).

اینبرگ و همکاران در پژوهشی با عنوان «آگاهی از مطالبات و بی‌عدالتی و اهمیت ارتباط و امنیت: تجربیات زیسته دختران نوجوان از زندگی روزمره خود» با رویکرد پدیدار شناختی به این نتیجه رسیدند که دختران از خواسته‌های خود، موفقیت و از تفاوت‌های جنسیتی در مدرسه و رسانه‌ها که بر آنها تأثیر می‌گذارد آگاه هستند (Einberg & et al, 2015).

مروری بر پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته نشان داد که در مورد انتظارات اقتصادی و شغلی دختران علی‌رغم اهمیت آن تاکنون پژوهشی انجام نشده است؛ در حالی که نوجوانان به‌عنوان آینده‌سازان، بخش مهمی از سرمایه انسانی کشور را تشکیل می‌دهند و باید با عنایت به نقش مهم آنها در سازندگی کشور به انتظارات و خواسته‌های آنان توجه ویژه‌ای داشت. به همین جهت تلاش پژوهشگران بر آن است که با استفاده از روش کیفی و همدلی با دختران نوجوان شهر یزد به شناسایی انتظارات شغلی دختران و انتظارات آنها از ساختارها موجود در شهر یزد بپردازند.

۳- ملاحظات نظری

در پژوهش‌های کیفی، برداشت‌ها و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش و تجارب زیسته آن‌ها از موضوع، اهمیت اساسی دارد. بنابراین پژوهشگر الزامی در استفاده از نظریه‌های جافتاده ندارد و می‌تواند کار خود را با گردآوری داده‌ها آغاز کند، اما از آنجاکه کار تحقیقی در خلأ نظری صورت نمی‌پذیرد، بنابراین پژوهشگران کیفی از مفاهیم نظری موجود برای پیشینه تحقیق، شکل‌گیری پرسش‌ها، استناد و مقایسه استفاده می‌نمایند (سپید نامه و همکاران، ۱۳۹۵).

انتظارات شغلی و انتخاب شغل مطلوب یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار در زندگی هر فرد است که نظریات متعددی در خصوص آن وجود دارد. نظریات جامعه‌پذیری بر این باورند که وجود تفاوت‌هایی در جامعه‌پذیری پسران و دختران باعث می‌شود افراد با هویت جنسیتی شده تربیت شوند و با استانداردهای فرهنگی هم‌نوا شوند. به تبع آن، مردان و زنان به شکلی متفاوت و نابرابر در بازار کار توزیع می‌شوند؛ زیرا ترجیحاتی را برای مشاغل بروز می‌دهند که با خصایص و مهارت‌هایشان مطابقت دارد (Perales, 2010: 10).

روانشناسان اجتماعی بر نقش استدلال‌های شناختی و خطاهایی ادراکی که به‌رغم عناصر کارکردی‌شان می‌توانند به آگاهی معیوب درباره‌ی رخدادهای اجتماعی و کنشگران درگیر در آنها منتهی شوند، تأکید می‌کنند. آنها بر نقش کلیشه‌های جنسیتی در ادراکات ما از محل کار و افراد عمل‌کننده‌ی درون آن اشاره دارند. کلیشه‌های تجویزی اشاره به مجموعه‌ای از خصایص و ویژگی‌ها دارند که وصف می‌کنند مردان و زنان چگونه «باید» باشند. از این‌رو، ادراکات از افراد هم‌زمان تحت هدایت تظاهرات شناختی از خصایص و ویژگی‌های مبتنی بر دسته‌ای که بدان تعلق دارند و نیز باورهای هنجاری در مورد اینکه چه چیزی برای آنها مناسب یا نامناسب است، معطوف به مقوله‌های جنسیتی‌شان قرار دارد (Cotter & et al, 2001: 17).

گاتفردسون از جمله برجسته‌ترین نظریه‌پردازان مشاوره مسیر شغلی است که پاسخ سؤالاتش را در چشم‌انداز جامعه‌شناسانه به مسائل روان‌شناسی و مشاوره پیدا و مفاهیم جامعه‌شناسی مانند منزلت شغل، قدرت، فرهنگ، کلیشه‌های فکری، نقش‌های جنسیتی و ارزش‌ها را وارد مشاوره مسیر شغلی کرد (سمیعی و همکاران، ۱۳۹۱). نظریه محدودیت و سازش آرزوهای شغلی او نگاهی جامعه‌شناسانه به مسیر شغلی افراد دارد و بر این اصل استوار است که همه افراد درگیر سطح منزلت شغلی خود هستند و هرچه روبه‌جلو برویم منزلت شغل چون مانعی در مسیر انتخاب شغل عمل می‌کند. روان‌شناسی، فعالیت هدفمند شغلی همه افراد را از نظر انتخاب شغل یکسان می‌بیند در حالی که در جامعه‌شناسی تا جایی که ممکن است دیدگاه افراد نسبت به شأن و منزلت شغلشان در نظر گرفته می‌شود و به‌سادگی از شأن و منزلت شغل به‌عنوان یک مانع برای انتخاب شغل و یا یک عامل حمایت‌کننده اجتماعی یاد می‌شود (Gottfredson, 1996). به‌طور کلی می‌توان گاتفردسون را جزء افرادی دانست که بیش از سایر نظریه‌پردازان مسیر شغلی، به اهمیت و نقش مسائل اجتماعی در رشد مسیر شغلی پرداخته است.

در نظریه خصیصه - عامل نیز پارسونز معتقد است هیچ فردی نمی‌تواند به‌جای شخص دیگری تصمیم بگیرد که چه شغلی را انتخاب کند، بلکه هر فرد باید منافع خود را با توجه به توصیه‌هایی که به او می‌شود، تشخیص دهد و ترجیحات شغلی خود را بسازد. نظریه «خصیصه - عامل» بر این فرض متکی است که انتخاب یک شغل مهم‌تر از به دست آوردن آن شغل است. در این نظریه، انتخاب شغل مهم‌ترین تصمیم زندگی است و معمولاً زمانی رخ می‌دهد که فرد در ابتدای ورود به دنیای کار است و پس از روبه‌رو شدن با ضرورت اشتغال به‌طور آگاهانه به تجزیه و تحلیل توانایی‌ها و ضعف‌هایش می‌پردازد و اطلاعات لازم را درباره مشاغل کسب و پس از استدلال عقلانی، ترجیحات شغل خود را درمی‌یابد (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۱: ۲۲۹).

۴- روش پژوهش

پژوهش کیفی رویکردی طبیعت‌گرایانه است که در آن تلاش می‌شود پدیده مورد مطالعه در همان محیط و زمینه خاص از جمله محیط جهان واقعی درک شود، در واقع جایی که در آن پژوهشگر در پی دستکاری پدیده مورد نظر خود نیست (Patton 2002). شاید بتوان گفت شناسایی و بررسی عواطف بشری، احساس‌ها و ادراک‌ها به‌وسیله روش کمی، سخت و دشوار است، در حالی که پژوهش کیفی روشی مناسب جهت شناسایی و بررسی هیجانات و عواطف می‌باشد. با این روش می‌توان به جستجو ماهیت نیاز پرداخت و آن را کشف کرد (Burns & Grove, 2010).

رویکرد مطالعه حاضر، کیفی و روش آن نظریه زمینه‌ای است و با استفاده از کدگذاری باز، مفاهیم و مضامین اصلی و فرعی مقاله استخراج شده است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش، دختران نوجوان شهر یزد هستند که در مرحله انتخاب رشته تحصیلی و در دامنه سنی ۱۶-۱۵ سال (پایه نهم و دهم تحصیلی) می‌باشند. جهت گردآوری داده‌های پژوهش نیز از مصاحبه نیمه ساخت یافته استفاده شده و شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند بوده است. بر این اساس، مشارکت‌کنندگانی که در حیطه انتخاب شغل دچار مشکل بودند، انتخاب شدند. بر اساس معیار اشباع داده‌ها، با ۱۵ نفر مصاحبه انجام شد. بعد از انجام مصاحبه‌ها و ثبت آنها، داده‌ها به روش نظریه زمینه‌ای یا نظریه مبنایی تحلیل شد به‌گونه‌ای که تمام مصاحبه‌ها و تعاملات به‌دقت ثبت و بارها مرور شدند و الگوهای مشترک در بین آنها شناسایی و ثبت شدند. در کدگذاری باز واژه‌ها، عبارات یا جمله‌های معنادار به عنوان کدها انتخاب شدند و بعد از کدگذاری اولیه، کدهای مشابه (مقوله‌ها) با نام‌های مفهومی در گروه‌های اولیه قرار گرفتند. در مرحله دوم (کدگذاری محوری) ارتباط بین مقوله‌ها و زیر مقوله‌ها مشخص شدند و متن مصاحبه‌ها دوباره مرور شد تا مشخص

شود که تم‌های استخراجی تا چه حد حاوی اطلاعات کافی پیرامون موضوعات می‌باشند؛ بدین جهت بعضی از موضوعات حذف شدند یا اینکه مورد بازبینی قرار گرفتند. مرحله آخر شامل کدگذاری انتخابی بود. در این مرحله مقوله‌های مختلف با یکدیگر یکپارچه شده و پیرامون یک مفهوم توصیفی محوری تلفیق شدند که رابطه بین موضوعات عمده را نشان می‌دهد (Gilgun 2005).

جدول ۱- فهرست مشارکت‌کنندگان

ردیف	اسم مستعار	سن	شغل دلخواه
۱	سارا	۱۵	لیدر تورهای خارجی و داخلی
۲	مهسا	۱۵	طراح لباس بین‌المللی
۳	حدیث	۱۵	پزشک اعصاب و روان
۴	میثا	۱۵	طراح دوخت
۵	یکتا	۱۵	پزشک مغز و اعصاب
۶	فاطمه	۱۵	پزشک
۷	ملیکا	۱۵	عکاس تخصصی یا گرافیک
۸	فریبا	۱۵	طراح دکوراسیون داخلی
۹	مریم	۱۵	وکیل
۱۰	مونا	۱۵	پزشک
۱۱	هانیه	۱۶	نقشه‌کش ساختمان
۱۲	الهه	۱۶	معمار
۱۳	زهرا	۱۶	نقاش
۱۴	نازنین	۱۶	عکاس
۱۵	سارینا	۱۶	وکیل

۵- یافته‌های پژوهش

با بررسی دقیق متن مصاحبه‌های تحقیق، مفاهیم، مقوله‌های فرعی و اصلی و در نهایت، مقوله هسته استخراج شد. مقوله هسته با عنوان «هراس از ناکامی شغلی» از ۱۳ مقوله اصلی و ۳۶ مقوله فرعی بر ساخت شد که در جدول ۲ آمده است، که در ادامه به شرح این مقولات پرداخته شده است.

جدول ۲- مقولات و هسته استخراج شده

مقوله هسته	پارادایمی	مقولات اصلی	مقولات فرعی
هراس از ناکامی شغلی	شرایط علی	مخالفت والدین	فشارهای دلسوزانه، عدم حمایت، ضعیف دانستن دختر
		دوستان مخالف	القای حس ناامیدی، بیان تجربیات منفی، مخالفت بی مبنا
		هژمونی مجازی	الگو گیری از کاربران، اثر گذاری تحقیقات مجازی
	شرایط زمینه‌ای	آینده‌نگری اقتصادی	چشم انداز مالی، ثبات شغلی
		جست‌وجوی رؤیاها	پتانسیل نهفته، تصورات آرمانی
		در تکاپوی ثبات اجتماعی	حسرت پرستیژ، اقتدار شغلی، موقعیت اجتماعی ادراک شده، انتظارات فزاینده شغلی
		ارزش گذاری شغلی	شناخت آینده شغلی، خود آگاهی در مسیر کاری، تدابیر اولیه
		منفی گرایی نسبت به بسترهای موجود	پول حلال مشکلات، بسترهای ناعادلانه
	شرایط مداخله‌گر	حصار در عادت‌واره‌های محدود	ترجیحات کلیشه‌ای، شهری با نگاه سنتی نسبت به زنان، تحقیر شغلی، محدودیت‌های محیطی
		نظام آموزشی ناکارآمد	آموزش تئوری محور، تبعیض آموزشی
	استراتژی	ایستادگی در برابر ساختارها	بحث همیشگی با والدین، متقاعد کردن دوستان، عدم اهمیت حرف مردم
		هدف گذاری شغلی	تقویت مهارت‌های شغلی پیشرفت درسی، تغییر سبک زندگی
	پيامد	فرسودگی شغلی	فشار روانی، سرخوردگی زنان در جامعه، بی میلی شغلی

۵-۱- شرایط علی

شرایط علی، عواملی هستند که بر پدیده مرکزی تأثیر می‌گذارند و موجب بروز یا توسعه آن می‌شوند. شرایط علی، رویدادها یا اتفاقاتی را نشان می‌دهند که موقعیت‌ها، مسائل و مباحث مرتبط با پدیده را ایجاد و توضیح می‌دهند که چرا و چگونه افراد و گروه‌ها به پدیده مبادرت می‌کنند. در تحقیق پیش‌رو مخالفت والدین یکی از شرایط علی متأثر بر پدیده است.

در جامعه امروزی مشاغل به‌روز، پیچیده و اصطلاحاً خاص، طرفداران زیادی بین نوجوانان دارد و دختران نیز به این مشاغل کشش پیدا کرده‌اند و مشاغل بدیهی مانند دکتر، مهندس و معلم برای آنان چندان جذابیتی ندارد. اما تصور والدین چیز دیگری است، آنان به سبب آنکه نگاه خاصی به هویت دختران دارند و اغلب دختران را ضعیف‌تر از پسران و در معرض آسیب‌ها می‌بینند و خانه‌داری را برای آینده دختران مهم می‌دانند، ترجیحشان این است که فرزندشان به دنبال مشاغل خطرناک، ریسک‌پذیر و پرمشغله و درگیر با فضای کاری مردان نباشند؛ لذا اغلب آنها مشاغلی مانند معلمی را به دخترشان پیشنهاد می‌دهند. سارا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

«پدر و مادرم مخالفن و میگن این شغل برای دختر خطرناکه چون اونا میگن برای زن سخته همش باید تو جاده باشم و با هر آدمی باید سروکار داشته باشم».

همچنین برای بعضی از والدین این دیدگاه شکل گرفته که شغل مطلوب، شغلی است که جایگاه اجتماعی بالایی داشته باشد؛ لذا شخصیت‌های شغلی نظیر خیاط و نقاش جایگاهی در ذهن این‌گونه والدین برای آینده شغلی دخترشان ندارد و این مشاغل را وقت تلف کردن و فاقد وجهت علمی تلقی می‌کنند؛ بنابراین به دنبال آن هستند که دخترشان به مشاغلی مانند پزشکی روی بیاورند و مطرح می‌کنند که در غیر این صورت، حمایت خود را از آینده شغلی دخترشان محدود خواهند نمود. همچنین والدین بیش از هر قشری از حرف مردم نگران هستند و می‌خواهند دخترشان بدون هیچ حاشیه‌ای به یک شغلی که در جامعه برای دختران دارای جایگاه و وجهت خاصی است، راه یابد و موفق شود. مبینا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

«بابام میگه برو تجربی چون کلاسش بیشتره و منم گفتم که من وسیله‌ی پز دادن تو نیستم. کلاً بابام این رشته رو قبول نداره. اونم میگه پس اگه بری طراحی دوخت حمایت نمی‌کنم چون بشینی تو خونه هی بدوزی آخرشم هیچی نمیشی».

نوجوانان بیش از همه از دوستان خود تأثیر می‌پذیرند و شکل‌گیری بسیاری از هویت‌ها در این برهه زمانی به دست دوستان رقم می‌خورد. انتخاب شغل هم مقوله بسیار مهمی در بین مباحث نوجوانان است. از کودکی در هنگام بازی‌هایشان هر کدام شغلی را بازی می‌کنند، اما در نوجوانی بحث به شکل دیگری است آنان با مشاغل مطلوب، خود و دوستانشان را به چالش می‌کشند که چه شغلی برای چه کسی مناسب است. دوست مخالف کسی است که مدام چالش‌ها و عیب‌هایی را که از آن شغل در ذهن دارد، بروز می‌دهد و گاهی با تحقیر آن شغل، درصدد هستند که

دوست خود را قانع کند که استعداد تو در مشاغل دیگری نهفته است و حرفش آن است که در این شغل حیف می‌شود. زهرا ۱۶ ساله در این باره می‌گوید:

« در خصوص دوستانم بیشترین بحثی که تو مدرسه داریم در مورد انتخاب رشته هست و شغلی که از اون رشته می‌خوایم بهش برسیم نظرات منفی بین دوستانم هست. اونا بهم گفتن تو که درست خوبه پس به راحتی تجربی قبول میشی برو پرستاری بخون ما که درسمون از تو ضعیف‌تره می‌خوایم بریم تجربی تا دکتر بشیم با نقاشی آخرش که چی؟ خیلی پیش پا افتاده هست و غیره. درحالی که رشته‌ی نقاشی چیز خیلی آسونی نیست و سختیای خودش و داره که اونا بی اطلاعن.»

نقش فضای مجازی در سال‌های اخیر در انتخاب و انتظارات شغلی همانند بسیاری از موضوعات دیگر به شدت پررنگ شده و در این امر نقش به‌سزایی دارد. زمانی که نوجوان برای اولین بار در مورد مشاغل در اینترنت جستجو می‌کند، مشاغل برتر یا مشاغل خوب و نون و آبدار نمایش داده می‌شود. تأثیرات فضای مجازی به اشکال مختلف وجود دارد. نوجوانان در گوگل در خصوص شغل‌های مختلف یا شغل دلخواه خود جستجو می‌کنند و با مزایا و معایب آن آشنا می‌شوند. وضعیت خاص سلبریتی‌ها و بلاگرها موجب می‌شود که نوجوان به رشته دانشگاهی سلبریتی‌ها یا شغل بلاگرها که با آن معروف شده‌اند و کسب درآمد کنند، آنها را مشتاق به داشتن آن شغل می‌کند. فریبا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

« من از آنجایی که برخی بازیگران (تعداد اندکی هستند) را دنبال می‌کنم در مورد بیوگرافی آنها تحقیق کردم و رشته تحصیلی آنها را دیدم یکی از آنها رشته تحصیلی لیسانس طراحی دکوراسیون داخلی داشت و من برای اولین بار این رشته را دیدم و مشتاق شدم و در مورد آن تحقیق کردم و در اینترنت سرچ کردم.»

حتی در فضای مجازی به‌ویژه اینستاگرام با افرادی که با شغل مطلوبشان سر و کار دارند، آشنا می‌شوند و آنها در خصوص پیشرفت کاری با نوجوانان صحبت می‌کنند و آنان را از این شغل منع یا تشویق می‌کنند. مبینا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

«یه دختره تو اینستا بلاگر بود، رشته‌اش طراحی دوخت بود و اون خیلی در مورد شغلش توضیح داده بود و خیلی تبلیغشو می‌کرد و از روزمرگی‌اش در مدرسه فیلم می‌گذاشت. بعد کاراشو تو مدرسه می‌دیدم (طراحیشون) و این که دختره هر چی می‌پوشید رو خودش دوخته بود و این خیلی نظرمو به خودش جلب کرده بود.»

۲-۵- شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای، شرایطی را نشان می‌دهند که در آنها پدیده محوری رخ می‌دهد و موجب می‌شود که افراد و گروه‌ها به روش‌های مختلف به پدیده‌ای متمایل شوند. به بیان دیگر خصوصیات ویژه‌ای است که بر پدیده‌ای دلالت می‌کند. تمامی نوجوانان در خصوص آینده خویش تصوراتی دارند که یکی از وجوه آن، بعد اقتصادی است. این بُعد برای آنان بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه شغل را مساوی با کسب درآمد می‌دانند و شغل بدون پول بی‌معناست. آنان ارزش پول را برای بقا درک کرده‌اند و در انتظارات شغلی خود به این بُعد اشاره می‌کنند و خواستار رسیدن به آن هستند. بنابراین نوجوانان اهمیت ویژه‌ای برای ثبات مالی، ثبات شغلی، تضمین آینده مطمئن و تعادل در زندگی کاری و شخصی خود قائل هستند. شرایطی که هنوز نوجوان وارد بازار کار نشده است، اما برای شغل خود انتظارات خاصی را قائل می‌شود، بیانگر آن است که او جایگاه اقتصاد را در جامعه درک کرده و برای رسیدن به وضعیت مطلوب اقتصادی در صدد انتخاب شغل مناسب خود برآمده است. فاطمه ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

«واسه انتخاب شغلم، درآمد مهمه واسم؛ چون از پس نیازها ت برنیایی و زندگی مرفه نداشتی باشی، فایده‌ای نداره».

حدیث ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

«باید درآمد وجود داشته باشه. شغل بدون درآمد معنی نمیده. پول جایگاه اجتماعی بالا میاره. بقای شغل هم برام مهمه با توجه به وجود هوش مصنوعی باید بسنجم ببینم شغلم حذف میشه یا نه که در آینده بیکار نباشم».

شغل از منظری جنبه شخصی هم دارد. از نظر نوجوانان شغلی مطلوب خواهد بود که سراسر علاقه در آن موج بزند که می‌تواند این علاقه از کودکی باشد یا با وارد شدن در اجتماع در ارتباط با افراد جامعه شغل مورد علاقه خود را پیدا کنند. هانیه ۱۶ ساله در این باره می‌گوید:

«من از کودکی به هنر علاقه داشتم و در انتخاب رشته به دنبال رشته‌های نظری نبودم و علاقه‌مند به فنی حرفه‌ای بودم. کار عملی داشته باشم و علاقه‌ام نسبت به هنر باعث شد این شغل را مناسب بدانم».

در واقع نوجوان این دیدگاه را دارد که بدون توجه به علایق و استعدادها در انتخاب شغل دچار مشکل خواهد شد و در کاری که علاقه وجود داشته باشد احتمال موفقیت بیشتر است. علاقه باعث می‌شود که افراد با اشتیاق و انگیزه بیشتری کار کنند و در زمان رویارویی با چالش‌ها و مشکلات

به نحو مطلوب عمل کنند. علاقه همچنین می‌تواند منبع الهام و خلاقیت نوجوانان در آینده باشد و از طرفی آنان با استفاده از شغل خود می‌خواهند به رویاها و آرزوهای خود دست یابند. برای دختران نوجوان فضای روانی شاد شغل مطلوبشان اهمیت به سزایی دارد و می‌خواهند در شغلی قدم نهند که با روحیات آنان سازگار باشد. فریبا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

« شغلی که من مدنظر دارم فانتری و قشنگی است و حس می‌کنم روحیه‌ی شادی در این رشته وجود دارد و حس خوبی به من می‌دهد».

شغل نقش بسیار مهمی در زندگی اجتماعی افراد ایفا می‌کند. جایگاه شغلی به میزان احترام و ارزشی اشاره دارد که جامعه به یک شغل یا یک حرفه می‌دهد. رسیدن به پایگاه اجتماعی بالا در بین نوجوانان بسان حسرتی جلوه‌گر می‌شود که موجب می‌شود آنان خود را در جامعه نشان دهند. مهسا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

« در مشاغل اطرافیانم شغل عمه‌هامو بیشتر دوست دارم چون پرستارن و برام جالبه البته شوهر عمم که شرکت داره شغلش برام جالبه چون که مدیر عامله کارگرهای خودشو داره، دستور میده و حسابی گنگه».

از نظر دختران شغل مطلوب باعث تحرک اجتماعی خواهد شد که با آن می‌توان جایگاه اجتماعی را بهبود بخشید. بخش بزرگی از هویت اجتماعی ما را شغل به اثبات خواهد رسانید. کار و حرفه علاوه بر بعد اقتصادی و شخصی، بعد اجتماعی هم دارد و افراد با شغلشان موجب پیشرفت خود در جامعه می‌شوند. نوجوانان با تعیین رشته و انتخاب شغل، می‌خواهند در جامعه مهم جلوه کنند و به سبب حرفه و شغل با اهمیت، نقش والای خودشان را ایفا کنند. از منظر نوجوانان انتظارات فزاینده مانند داشتن امکان مهاجرت، شهرت و خلاقیت سبب می‌شود که به موقعیت اجتماعی واقعی خود رسید و بیش از هر قشری به سیر زندگی کارآفرینان توجه دارند و رمز موفقیت آنان را سرلوحه انتخاب شغل خود قرار می‌دهند. دوست دارند به شغلی برسند که افراد زیادی را به آن جذب کنند و الگوی نسل‌های بعدی باشند. سارا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

« من می‌خوام شغلی رو به وجود بیاورم که رئیس باشم و هیچ محدودیتی در شغل برایم وجود نداشته باشد. من می‌خوام شغلم رو بزرگ نشون بدم و بقیه هم به شغل من جذب بشن. مشاغلی مانند برنامه‌نویسی و کسانی که کارهای کامپیوتری را ادامه دادند به سبب آنکه جایگاه اجتماعی‌شون بالاست و شغل پیشرفته‌ای دارند و کشورهای خارجی به راحتی با مهاجرتشون موافقت می‌کنند».

ارزش‌گذاری شغلی یکی از روش‌های مفید و مؤثر برای انتخاب شغل است. با مصاحبه با افرادی که در شغل مورد نظر نوجوان فعالیت می‌کنند یا در آن شغل تجربه دارند، می‌تواند اطلاعات ارزشمندی درباره واقعیت‌ها، چالش‌ها، فرصت‌ها و رضایت از آن شغل به دست آورند. همچنین می‌توانند از نظرات، پیشنهادات و تجربه آنها برای بهبود مهارت‌ها استفاده کنند. یکی از فواید این کار افزایش آگاهی است. نوجوان با شنیدن تجربیات و داستان‌های واقعی افراد با تجربه، می‌تواند به درک بهتری از جزئیات، خوبی‌ها و بدی‌های شغل مورد نظر برسد. اطلاع از این تجارب کمک می‌کند که تصورات نادرست یا غیر واقع‌گرایانه را از سر بردارد و تصمیمات خود را بر اساس اطلاعات دقیق‌تر بگیرند. نوجوان امروزی حساب همه‌جا را می‌کند و انتظارات خود را صرفاً بر پایه خیال‌پردازی شکل نمی‌دهد. نوجوانان با انجام تحقیقات حضوری و پژوهش در فضای مجازی با آینده شغلی که انتظار او را می‌کشند، آشنایی پیدا می‌کنند. سارا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

«برای این که شغلم را انتخاب کنم مشاوره‌ی خصوصی گرفتم او به هم گفت با توجه به علاقات باید بیشتر از اینا تحقیق کنی و منم رفتم با لیدرها صحبت کردم و اونا گفتن درآمد خوبی نداره، بازار کارش کساده اما تا ۳ یا ۴ سال دیگه بهبود پیدا می‌کنه».

نوجوانان نسبت به ابزارهای رسیدن به شغل دلخواه خود دیدگاه منفی دارند، این موضوع به عوامل مختلفی مانند موقعیت جغرافیایی، نوع شغل و اقتصاد کشور وابسته است. همچنین، در برخی حوزه‌های شغلی، لوازمی که برای انجام کار لازم است، بسیار گران و دشوار به دست می‌آید؛ این مسئله ممکن است باعث شود که افراد به دنبال شغل دیگری بروند که بهترین گزینه برای آنها باشد. مبینا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

«در خصوص مشکلات مالی من که خودم الان درآمد ندارم ولی اگر خانوادم حمایت نکنن هیچ و پوچم و به هیچیم نمی‌رسم. این رشته، رشته‌ی پرخرجیه ولی می‌ارزه. باید پارچه کاغذ الگو بخری و اصل کاریم که چرخ خیاطی هست».

در شهر یزد نمی‌توان ادعا کرد که رسیدن به وسایل شغلی امکان‌پذیر نیست ولی صرفاً در بعضی مغازه‌های خاص موجود است که آن‌هم به خاطر انحصار، وسایل گران به فروش می‌رسد و دسترسی برای همه بسیار دشوار است. دختران نوجوان پول را کلید حل مشکلات می‌دانند و وجود پارتی و پول را برای رسیدن به اهدافشان مهم می‌دانند. هانیه ۱۶ ساله در این باره می‌گوید:

«دغدغه من بازار کار و مشغول به کار شدن است، اما با توجه به شنیده‌هایم پارتی داشتن برای کار مهم است. فعلاً که اول راه هستیم اما در آینده ممکن است مشکلات مالی وجود داشته باشد، چون رشته پرهنز است. بسترهای خیلی وجود ندارد فقط در مکان‌های خاصی لوازمش رو میشه تهیه کرد».

۳-۵- شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر، شرایط وسیع و عامی همچون فرهنگ، فضا و... است که به‌عنوان تسهیلگر یا محدودکننده راهبردها عمل می‌کند. این شرایط، اجرای راهبردها را تسهیل و تسریع کرده و به‌عنوان یک مانع، دچار تأخیر می‌نمایند. شرایط مداخله‌گر، عواملی را نشان می‌دهند که بر پدیده مرکزی تأثیر می‌گذارند و موجب بروز یا توسعه آن می‌شوند. در جامعه یزد مقولات فرهنگی جایگاه بالاتری برای ترجیحات شغلی دارد. مثلاً در برخی موارد مطرح می‌شود که دختران به سبب احساساتی بودن باید از بعضی از مشاغل نظیر معماری و وکالت منع شوند. این باورهای نادرست در برخی موارد می‌تواند باعث شود که دختران نتوانند به شغل‌هایی در حوزه فنی و مهندسی و... که علاقه و استعداد آن را دارند، مشغول به فعالیت شوند.

در شهر یزد هنوز برخی از افراد به توانمندی زنان برای انجام کارهای خارج از خانه و مشارکت زنان در فعالیت‌های شغلی یا اجتماعی دیدگاه مثبتی ندارند. این نگاه ممکن است باعث شود که خانواده‌ها به دخترانشان اجازه ندهند تا در فکر و دغدغه انتخاب شغل برای خود باشند و تأکید کنند که بر زندگی خانوادگی تمرکز نمایند.

مریم ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

«در خصوص مشکلات تفاوت بین دختران و پسران بعضی وقتا آزاردهنده است. بعضی

مشاغل مثل مهندسی رو که زن‌ها اجازه و توانایی انجامش رو دارن هم بعضیا دید خوبی

ندارن».

برخی دختران مشارکت‌کننده در مطالعه نیز به سبب نوآوری خاص رشته‌های هنری گرایش شدیدی به مشاغل هنری دارند، اما بیان می‌کردند که در شهر یزد استقبال و علاقه زیادی به آثار هنری وجود ندارد و هزینه زیادی بابت آن نمی‌شود. از منظر آنها زمانی که مردم از آثار هنری حمایت مالی نداشته باشند، همین امر باعث دلسردی و عدم گرایش نوجوان به این علاقه می‌شود، ولی از سوی دیگر برای او فشار روانی نرسیدن به آرزو را به همراه خواهد داشت. مهسا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

«کلاً تو یزد به رشته‌ی طراحی دوخت بها نمیدن. تو کشورهای دیگه مثل ایتالیا خیلی به مد اهمیت میدن به خیاطی‌های خودشون احترام قائلن و براش سرخم می‌کنن. برای یزدیا دختر خیاط خوبه اما به شکل سنتی نه این مدل مزون دوزی و ...!».

مدارس یکی از مهم‌ترین منابع در شکل‌گیری انتظارات شغلی است. ناکارآمدی مدارس در هدایت دختران در مسیر دستیابی به شغل دلخواه، مشکل‌آفرین است. یکی از کم‌کاری‌های مدارس عدم آشنایی دانش‌آموزان با مشاغل مختلف است. برخی نوجوانان ممکن است ندانند که شغل‌های مختلف چه وظایفی دارند و در کدام حوزه فعالیت می‌کنند. این موضوع می‌تواند باعث شود که نوجوانان انتخاب شغلی مناسب نداشته باشند. تبعیض آموزشی هم در مدارس می‌تواند مسیر شغلی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهد به‌طور مثال مسائلی نظیر وجود مدارس خاص سبب شده رقابت‌جویی ناسالمی شکل گیرد که موجب دستیابی عده‌ای خاص به شغل دلخواه آن‌ها شود. یکتا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

«در مورد نقش مدارس مخصوصاً مدارس یزد چون اهمیت میدن به تحصیلات درسی اما خب چیزی که مهمه فقط اهمیت میدن به یه سری دروس خاص که همون دروس نظریه و به درسی مثل هنر اهمیتی داده نمیشه و این طرز تفکر که آدمای درس نخون و بی‌استعداد به رشته‌های هنرستان میرن به شدت غلطه. مدرسه تا یه جایی می‌تونه کمک کنه تا استعدادهاشو کشف کنی ولی به‌طور کلی مؤثر نیست و کارایی آن‌چنانی نداره؛ چون مدرسه در جامعه‌ی ما فقط درس محوره و زنگ‌های هنر و ورزش فراموش میشه و جایگزین دروس تخصصی میشه و این باعث میشه استعداد در حیطه‌های مختلف شناخته نشه و حتی سرکوب بشه به خاطر کم‌اهمیت دانستن این موارد.»

در این امر، نقش مشاورین مدارس و برنامه‌های آموزشی و تربیتی پررنگ می‌شود؛ اما متأسفانه کاستی‌هایی در این زمینه وجود دارد. در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان، مشاورین یا کار خاصی انجام نمی‌دهند یا غالباً خود را سرگرم دانش‌آموز درسخوان می‌کنند که خواستار رشته‌های نظری است. حتی در مدارس دیده نمی‌شود که از زنان موفق و کارآفرین در مشاغل مختلف دعوت به عمل بیاورند که دختران با افراد با تجربه گفت‌وگو داشته باشند تا در مسیر شغلی درست گام مؤثری بردارند. حدیث ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

«در خصوص نقش مدرسه نه منو آماده نکرده و حتی مشاورمون که باید کمکمون کنه در این حیطه فقط در خصوص ۴ تا هدایت تحصیلی میگه و هیچ‌وقت در خصوص شغل‌های مورد علاقمون به حرفامون گوش نداده» (حدیث ۱۵ ساله).

۵-۴- استراتژی‌ها

استراتژی‌ها، کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی هستند که از پدیده محوری منتج می‌شوند و به اداره یا حل مسائل مربوط به آن می‌پردازند. استراتژی‌ها، کنش‌هایی هستند که به طراحی مدل کمک می‌نمایند و نشان می‌دهند که چگونه افراد و گروه‌ها به پدیده مبادرت می‌کنند. مقاومت در برابر ساختارهای جامعه برای انتخاب شغل یک موضوع مهم و چالش‌برانگیز است. برخی افراد ممکن است با فشارها، تعصبات، تحمیلات و توقعات ساختارهای مهم جامعه مانند خانواده و دوستان در مورد شغل دلخواه خود روبه‌رو شوند و نتوانند به راحتی به شغل مورد علاقه و مناسب خود برسند. در برخی خانواده‌های یزدی، دختران آزادی محدودی برای انتخاب شغل دارند که این هم می‌تواند ناشی از تفاوت نسلی باشد. واکنش دختران نسل جدید دیگر به مانند نسل پیشین نیست که دنباله‌رو حرف و خواسته‌های والدین باشند، بلکه آنان با روش‌های مختلف نظر خود را بیان می‌کنند و به ارائه دلایل منطقی می‌پردازند یا با زور و دعوا در برابر توقعات والدین مقاومت می‌کنند و نظر خود را بر نظر والدین اولی‌تر می‌دانند. مبینا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

«کلاً بابام میگه برو تجربی و منم بهش میگم که اعصاب این رشته رو ندارم. اونا تمایل دارن من برم دبیرستان که خب من هم اهمیتی نمیدم».

در برابر دوستان نیز سعی می‌کنند با نشان دادن استعدادهایشان در حیطه شغل دلخواه، آنان را متقاعد سازند.

مهسا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

«وقتی که طراحی‌هامو واسشون دوختم و بردم حتی منو تشویق کردن ولی بازم میگن برو تجربی و بعداً هنر رو دنبال کن».

دختران نوجوان برای رسیدن به انتظاراتی که در ذهن دارند، دست به برنامه‌ریزی می‌زنند. داشتن هدف و برنامه‌ریزی برای شغل مطلوب یکی از عوامل مؤثر در موفقیت حرفه‌ای است. از منظر نوجوانان با تعیین هدف‌های شغلی واقع‌گرا و با تدوین برنامه‌ای عملی و منطقی برای دستیابی به آنها، می‌توانند انگیزه، تمرکز، بهره‌وری و رضایت خود را افزایش دهند. با توجه به مباحث گفته‌شده نوجوانان تغییر سبک زندگی را برای رسیدن به موفقیت‌ها و انتظارات آتی مهم می‌دانند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«به‌طور کلی باید زندگی روتین نداشته باشیم و باید به شخصیت جدیدی برای خودم

بسازم، تنبلی رو کنار بزارم و بیشتر تلاش کنم».

هدف‌گذاری شغلی یک فرایند است که در آن افراد اهدافی را برای رشد و پیشرفت در حرفه خود تعیین می‌کنند و برنامه‌ای برای دستیابی به آنها ارائه می‌دهند. هدف‌گذاری شغلی می‌تواند به نوجوانان کمک کند تا انگیزه، اعتمادبه‌نفس، تمرکز و کارآمدی خود را افزایش دهند و مسیر حرفه‌ای خود را روشن کنند. تقویت مهارت‌ها در انتخاب شغل یکی از عوامل مؤثر برای رقابت‌پذیری و موفقیت شغلی است. نوجوانان با توجه به نیازهای بازار کار و تغییرات سریع آن، لازم می‌دانند که همیشه به‌روزرسانی و ارتقای مهارت‌های خود بپردازند. مهارت‌های شغلی معمولاً از طریق تحصیلات، آموزش‌ها، کارگاه‌ها و تجربه‌ی عملی به دست می‌آیند. علاوه بر تقویت مهارت‌ها، نوجوانان پیشرفت درسی را نیز برای موفقیت در شغل خود مؤثر می‌دانند. آمادگی‌های قبل از رسیدن به شغل دلخواه بیانگر آن است که نوجوان به ثبات و قطعیت شغلی رسیده و برای رسیدن به آن تمام تلاش خود را می‌کند. نازنین ۱۶ ساله در این باره می‌گوید:

«می‌خوام کلاس زبان برم و به کارآموزی در آتلیه فکر می‌کنم تا زمینه‌ای باشه برای رسیدن به شغلم. هم‌چنین می‌خام بیشتر درس بخونم تا هنرستان بهتری برم.»

سارا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

«مهم‌ترین مهارت یادگیری زبان انگلیسی که من از ۶ سال پیش شروع کردم هر چه بیشتر زبان‌های متفاوت بلد باشی قدرت و نفوذ بالاتری داری. افراد بیشتری رو جذب می‌کنی زبان ترکی هم بلدم و زبان چینی برام اولویت بعدیه. فن بیان رو دارم تقویت می‌کنم می‌خوام لهجه‌ی غلیظ آمریکایی رو هم یاد بگیرم قبلنا نمی‌تونستم جلوی جمع صحبت کنم و تپق می‌زدم اما الان با مهارت فن بیان و ارتباط‌گیری خیلی بهتر شدم.»

۵-۵- پیامدها

نتیجه اتخاذ راهبردهایی که کنشگران آنها را در مواجهه با شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و پدیده مرکزی در پیش می‌گیرند، همان پیامد است که طبق نتایج این پژوهش، اگر دختران به شغل مطلوب خود نرسند، پیامد آن فرسودگی شغلی است که در اکثر مواقع رخ می‌دهد به‌گونه‌ای که فرد انگیزه کافی برای ادامه کار ندارد و کار مورد علاقه خود را انتخاب نکرده است. پس زمانی که دختران در انتظارات شغلی خود مشکل داشته باشند، پیامد آن فرسودگی و رنجش شغلی خواهد بود. فشار روانی ناشی از نرسیدن به شغل دلخواه، یکی از مشکلات رایج در جامعه امروزی است. فشار روانی به حالتی گفته می‌شود که فرد با تنش، نگرانی، اضطراب، افسردگی یا هرگونه احساس منفی دیگر مواجه می‌شود. یکتا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

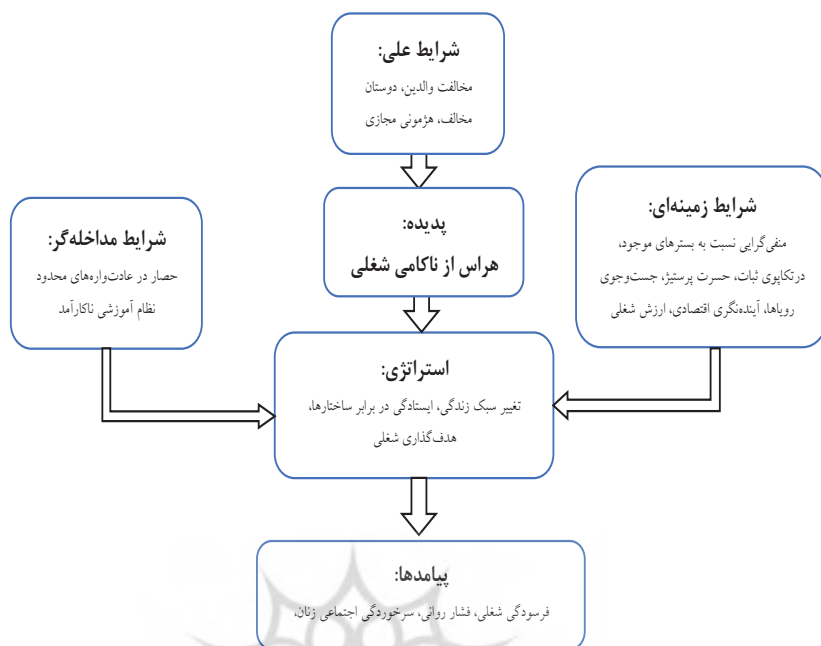
« قطعاً اول از همه پشیمون میشی. عزت نفس و اعتماد به نفست پایین میاد. از خودت و شغلت متنفر میشی.»

زنان در جامعه مسئولیت‌های مختلفی دارند و یکی از مهم‌ترین این مسئولیت‌ها به دوش گرفتن مشاغل در جامعه و انجام مسئولیت‌های اجتماعی است. زمانی که دختران به دلایل فرهنگی اجتماعی و نگاه خاص خانواده نتوانند به شغل دلخواه خود برسند، از جنسیت خویش ناراضی شده و به حاشیه کشیده خواهند شد. یکی دیگر از پیامدهای نرسیدن به شغل مطلوب زنان، احساس بطلان و بی‌فایده بودن و بی‌برنامگی در زندگی خواهد بود یا اینکه دچار بسندگی به انجام امور خانه می‌شود که چون جزء علایق فرد نبوده، موجب چالش خواهد شد یا اینکه فرد به مشاغل کاذب روی خواهد آورد که این شرایط می‌تواند آسیب‌زا باشد. بی‌میلی شغلی دختران به معنای عدم علاقه و انگیزه در برابر شغل و حرفه‌ای است که بر عهده دارند. این موضوع می‌تواند به فرهنگ و اجتماع مربوط باشد که در برخی جوامع، شاغل بودن برای زنان ممنوع است و یا تحت فشار قرار می‌گیرند که باید فقط به نقش خانه‌داری اکتفا کنند. الهه ۱۶ ساله در این باره می‌گوید:

« اگه به شغل مطلوب نرسیم پیامدهاش خیلی چیزا هستش. بعضیا هستن که کلا زن شاغل را علی‌رغم داشتن تحصیلات دانشگاهی و توانمندی کنار میذارن و اونا هم خونه نشین میشن و احساس درماندگی و بیچارگی می‌کنن.»

اگر دختران برخلاف نظر خانواده، وارد شغل دلخواه خود شده و بنا به دلایلی با شکست یا افت کاری مواجه شوند، اغلب توسط خانواده مورد سرزنش قرار خواهند گرفت. سارا ۱۵ ساله در این باره می‌گوید:

« اگه به شغل مورد نظرمون نرسیم با سرزنش خانواده و والدین روبه‌رو می‌شیم بهمون میگن ما هی گفتیم نرو این شغل. حالا ببین بدبخت و بی‌پول شدی...»



شکل ۱- مدل پارادایمی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر در پی واکاوی انتظارات شغلی دختران نوجوان یزدی با روش کیفی انجام شده است. یافته‌ها نشان دادند که نوجوانان مدام به مقوله شغل فکر می‌کنند و در پی‌ریزی مسیر شغلی دلخواه خود تلاش می‌کنند. انتظارات شغلی فرآیندی است که افراد با آن آینده‌ای قریب‌الوقوع را پیش‌بینی و برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی می‌کنند. یافته‌های مطالعه حاکی از آن بود که نوجوانان به نسبت نسل‌های پیشین در مسیر مناسب و از پیش تعیین شده توسط خانواده، مدرسه و جامعه قدم نمی‌گذارند، بنابراین دیدگاه فردگرایی در حوزه انتخاب شغلی هم رسوخ کرده است. آنان شغلشان را برحسب علائق و رسیدن به آرمان‌های ذهنی خود انتخاب می‌کنند و حتی برای رسیدن به انتظارات شغلی خود دست به اقداماتی می‌زنند. از نظر سوژه‌های مطالعه، شغل مناسب برای دختران نوجوان، باید درآمد بالا، جایگاه اجتماعی خوب، دارای پرستیژ اجتماعی بالا و تضمینی برای رسیدن به اهدافشان را فراهم کند. همچنین آنها مطرح کردند که ترجیح می‌دهند مشاغلی را انتخاب کنند که امکان مهاجرت داشته باشد و در خارج از کشور هم خواهان آن باشند.

زیست نوجوانان، مملو از انتظارات فزاینده و مبارزات فعالانه برای حفظ سبک زندگی دلخواهشان است. این واقعیت باعث شده که آنها از شخص منفعل به افرادی فعال و مقاوم در جامعه تبدیل شوند. در حقیقت امروزه نوجوانان نیازهای خود را فقط در زمینه غذا، لباس و خانه نمی‌بینند، بلکه در این دوران از زندگی خود با نیازهای مختلف و پیچیده‌ای روبه‌رو هستند، هرچند هویت شغلی آنها مورد توجه کافی قرار نمی‌گیرد. نتایج تحقیق حاضر با پژوهش مرادی (۱۴۰۱) در خصوص مقاومت با ساختارهای جامعه برای رسیدن به شغل مورد نظر هم‌سو است. هدف‌گذاری و ارزش‌گذاری شغلی با نظریه خصیصه- عامل پارسونز مطابقت دارد؛ چرا که او نیز اذعان داشت افراد قبل از ورود به محیط کار، شروع به شناخت نقاط قوت و ضعف خود می‌کنند و داشتن انتظارات شغلی و انتخاب شغل را مهم‌تر از خود شغل و کار کردن می‌دانند.

دختران در خصوص جنسیت خود نیز حساس هستند و به مسائل و محدودیت‌های مرتبط با جنسیت خود در انتخاب شغل و رسیدن به انتظارات خود واقف‌اند. این موضوع با نتایج تحقیقات معینیان (۱۳۹۶) و اینبرگ (۲۰۱۵) هم‌سو است. دختران در برابر این شرایط مقاومت می‌کنند و می‌خواهند نقش زنان را در جامعه ارتقا دهند و حتی انتخاب مشاغل چالش برانگیز را نوعی اقدامی مطلوب در این حیطه می‌دانند. دختران نوجوان ما شغل و انتظارات مطلوب خود را به مفاهیم درآمد، رسیدن به اهداف، دسترسی به امکانات و رفع نیازهای زندگی روزمره دانسته‌اند که با تحقیقات عسکری (۱۳۹۷) هم‌سو بود.

نکته قابل توجه دیگر آن‌که دختران نوجوان در انتخاب شغلی خود به ثبات و قطعیت شغلی رسیده‌اند و آن را تغییر نمی‌دهند. آنها در خصوص شغل خود، حتی اگر خاص و به روز باشد تحقیق کرده‌اند و جوانب آن را سنجیده‌اند و با موانع و چالش‌های انتخاب آن شغل و رسیدن به آن آشنایی دارند. نوجوانان به نقش خانواده، دوستان و فرهنگ شهر یزد، در انتخاب و حمایت از شغلشان آگاهی کامل دارند و در مواجهه با مخالفت‌ها درصدد شکستن موانع هستند. از اهمیت نقش و کارکرد خودشان به عنوان زنان آینده کشور آگاهی دارند، اما برخی نگرش‌های محدودکننده در انتخاب شغل، آنها را آزار می‌دهد. آنها حس می‌کنند نمی‌توانند به مشاغل دلخواه خود برسند و در خلال مصاحبه مطرح نمودند که توانایی‌های زیادی برای انجام مشاغل انتخابی شان دارند و نباید به کار کردن در محیط خانه محدود شوند.

نکته دیگر ظرفیت‌های شهر یزد برای انتخاب شغل بود. دخترانی که مشاغل مانند پزشکی و معلمی را در ذهن داشتند، اذعان می‌کردند یزد بسترهای لازم برای رسیدن به شغل مطلوب آنها را داراست؛ اما دخترانی که مشاغل هنری، گردشگری و معماری را در نظر داشتند از کمبود

امکانات مانند کلاس و کارگاه‌های آموزشی، گرانی و کمبود و عدم دسترسی به لوازم و وسایل موردنیاز و انحصاری بودن مکان‌هایی دسترسی به امکانات مرتبط گلايه می‌کردند و نکته آخر اینکه دختران نوجوان یزدی از رسیدن به انتظارات شغلی خود هراسان هستند و نگرانند که با توجه به کمبودها و مخالفت‌ها دچار ناکامی شغلی شده و دچار تبعات نامطلوب عدم تحقق آرزوهای شغلی خود شوند.

پیشنهاد‌های پژوهش

- با توجه به اهمیت نقش خانواده در انتخاب شغل دلخواه، باید آموزش‌های لازم به آنان داده شود تا با مشاغل مختلف خصوصاً مشاغل جدید که در چند دهه اخیر با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیکی ایجاد خواهد شد و نیاز جامعه خواهد بود آشنا شوند.

- رسانه‌های مختلف به‌ویژه صداوسیما تدابیری را اتخاذ کنند تا در برنامه‌های گوناگون، شرایط مشاغل مختلف به نمایش گذاشته‌شده و از زنان موفق آن عرصه دعوت به عمل‌آوردن تا دختران جامعه با تلاش‌های آنها برای موفقیتشان آشنا شوند.

- نقش مشاوران مدرسه در حیطه شغلی باید پررنگ‌تر شود و صرفاً محدود به هدایت تحصیلی نشود.

- برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس در حیطه آشنایی با مشاغل باید مورد بازبینی قرار بگیرد و اگر در اصلاً برنامه‌ای در این خصوص وجود ندارد، در دستور کار قرار بگیرد. به‌طور مثال از زنان کارآفرین، زنان موفق در زمینه هنر و ورزش و... در مدارس دعوت به عمل‌آید تا دختران راه موفقیت شغلی را بیاموزند.

منابع

- ◀ ایمان، محمدتقی و، اسلام، علیرضا (۱۳۸۴). بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر انتظارات اجتماعی جوانان (مورد مطالعه: شهر شیراز). *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۲(۲)، ۹۹-۱۲۴.
- ◀ بلالی، اسماعیل، سیاح، مونس، و محبی، سیده فاطمه (۱۳۹۴). «ورود زنان به مشاغل مردانه: دلایل و پیامدها واکاوی کیفی آرای کارشناسان»، *زن در توسعه و سیاست*، ۱۳(۳)، ۳۹۹-۴۲۴.
- ◀ سمیعی، فاطمه، باغبان، ایران، عابدی، محمدرضا و حسینیان، سیمین (۱۳۹۷). تفکر زیربنایی شکل‌گیری آرزوهای شغلی در کودکان و نوجوانان، *رویش روانشناسی*، ۷(۱۱)، ۳۲۹-۳۴۰.
- ◀ سمیعی، فاطمه، ایران باغبان، عابدی، محمدرضا و صادقیان، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی فرآیند شناختی تحول آرزوهای شغلی در کودکان. *شناخت اجتماعی*، ۲(۱)، ۶۹-۸۰.
- ◀ شفیق‌آبادی، عبدالله (۱۳۹۱). *راهنمایی و مشاوره شغلی و نظریه‌های انتخاب شغل*. انتشارات رشد: تهران.
- ◀ عسکری ندوشن، عباس و، صباغچی، مرجان (۱۳۹۷). ارزیابی نیازهای جوانان و اولویت‌های سیاستی مرتبط با آنان در شهر یزد با به‌کارگیری الگوی اهمیت - عملکرد. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۹(۲)، ۳۹-۶۴.
- ◀ علی‌مندگاری، ملیحه، رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی و بختیاری، علیرضا (۱۴۰۰). بررسی نظام ترجیحات شغلی جوانان و عوامل مرتبط با آن در شهر اصفهان. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰(۲)، ۹۹-۱۲۸.
- ◀ قاضی نژاد، مریم، (۱۳۹۲). *طرد اجتماعی جوانان: ابعاد و شاخص‌ها (مطالعه‌ای در شهر تهران و حاشیه)*، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۲(۱۹)، ۴۹-۸۰.
- ◀ مرادی، شکیلا، و روحانی‌علی (۱۴۰۱). زیست جهان مقاوم در آستانه جوانی، مطالعه فرایند شکل‌گیری انتظارات فراینده در جوانان. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱(۳)، ۱۱۵-۱۳۸.
- ◀ مرکز آمار ایران (۱۳۹۷). *نتایج آمارگیری نیروی کار- بهار ۱۳۹۶*، قابل دسترسی در آذر ۱۳۹۷: www.amar.org.ir
- ◀ معینیان، نرمینه (۱۳۹۶). *نگاهی جامعه‌شناختی به نقش تصورات قلبی جنسیتی در تبعیض شغلی علیه زنان و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر شکل‌گیری این تصورات قلبی در فرهنگ ایران*. *زن و مطالعات خانواده*، ۱۰(۳۷)، ۱۶۳-۱۷۹.
- Alm, S., Laftman, S. B. (2016). "Future orientation climate in the school class: Relations to adolescent delinquency, heavy alcohol use, and internalizing problems". *Children and Youth Services Review*.70, 324-331.
- Behtoui, A. (2017). "Social capital and the educational expectations of young

people”, *European Educational Research Journal*, 16 (4): 487-503

- Burns, N., & Grove, S. K. (2010). *Understanding nursing research: Building an evidencebased practice*. Elsevier Health Sciences.
- Cotter, David A., Hermesen, Joan M., Veneman, Reeve (2001). “Women’s Work and Working Women, The Demand for Female Labor”, *GENDER & SOCIETY*, 15 (3): 429-452.
- Einberg, E, Lidell, E, Clausson, E (2015). “Awareness of demands and unfairness and the importance of connectedness and security: teenage girls’ lived experiences of their everyday lives”, *International Journal of Qualitative Studies in Health and Well-being*, 10: 1-12.
- Oettingen, Gabriele, Doris, Mayer (2002). *The Motivating Function of Thinking About the Future: Expectations Versus Fantasis*.
- Gilgun, J. F. (2005). “Qualitative Research and Family Psychology”. *Journal of Family Psychology*, 19, 40-50.
- Gottfredson, L. S. (1986). “Occupational aptitude patterns map: Development and implications for a theory of job aptitude requirements”. *Journal of Vocational Behavior*, 29, 254-291.
- Gregor, M. A., & O’Brien, K. M. (2016). “Understanding career aspirations among young women: improving instrumentation”. *Journal of Career Assessment*, 24(3), 559-572.
- Patton, M. Q. (2002). *Qualitative research and evaluation methods*, London: Sage Publications Inc.
- Perales, F (2010) Occupational Feminization, Specialized Human Capital and Wages: Evidence from the British Labour Market, ISER Working Paper Series, No. 2010-31 online at: www.iser.essex.ac.uk .
- Powell, R. R (1999). “Recent Trends in Research: A mythological Essay”, *Library and information since research*, 21(1), 91-119.
- Semenov, O, Oleshko, P, Tsymbal, S, Liashko, V, Shevchenko, A, Popovych, I. (2021). “Research of social expectations of university students in the dimensions of psychological well-being”, *Revista de Tecnología de Información y Comunicación en Educación*, 15 (3): 124-138.

- Spiliopoulou, G, Koustourakis, G, Asimaki, A, Kiprianos, P. (2018). “Occupational expectations of day general lyceum students in Greece at a time of economic crisis”, *Journal of Social Sciences Studies*, 2 (3): 1-17.

